

راه حل چین برای بازار نفت

چین؛ ناجی نفت ایران یا خریدار بحران؟

چگونه پکن در جنگ ایران و آمریکا سقف قیمت نفت را پایین آورد و دست ایران را در بازار بست؟

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت، جنگ ایران و آمریکا قرار بود یک معادله ساده در بازار نفت ایجاد کند: کاهش عرضه خلیج فارس، اختلال در تنگه هرمز و افزایش ریسک حمل و نقل باید قیمت نفت را به سطوح بسیار بالاتری می‌رساند.

اما بازار برخلاف انتظار رفتار کرد

در حالی که جریان نفت از تنگه هرمز در مقطعی تقریباً متوقف شد و عرضه منطقه به شدت کاهش یافت، قیمت نفت در بسیاری از مقاطع نتوانست متناسب با ابعاد شوک عرضه افزایش پیدا کند.

پشت این معادله، یک بازیگر بیش از همه خودنمایی می‌کند: چین.

چین هم بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است و هم بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام جهان؛ اما در ماه‌های جنگ، به جای آنکه با افزایش خرید نفت، کمبود بازار را تشدید کند، خرید نفت خام خود را به شدت کاهش داد.

این رفتار یک پرسش جدی را پیش روی تهران قرار می‌دهد:

آیا چین در سخت‌ترین شرایط جنگی به ایران کمک کرد، یا از موقعیت ایران برای خرید ارزان‌تر و کنترل بازار استفاده کرد؟

عددی که همه چیز را تغییر می‌دهد: ۹۰ درصد

وابستگی نفت ایران به بازار چین در سال‌های تحریم به یک واقعیت ساختاری تبدیل شده است.

بر اساس داده‌های منتشرشده از سوی کمیسیون بررسی روابط اقتصادی و امنیتی آمریکا و چین، چین در سال ۲۰۲۵ حدود ۱.۴ میلیون بشکه نفت ایران در روز وارد کرده و بیش از ۹۰ درصد نفت خام صادراتی ایران راهی بازار چین شده است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز در آوریل ۲۰۲۶ سهم چین از صادرات نفت ایران را حدود ۹۰ درصد اعلام کرد و گفت پالایشگاه‌های مستقل چین، موسوم به «تی‌پات‌ها»، بخش عمده این نفت را جذب می‌کنند.

این عدد فقط یک آمار تجاری نیست؛ نقطه ضعف ساختاری ایران در بازار نفت است.

وقتی یک فروشنده تحریمی تقریباً یک خریدار اصلی دارد، قدرت تعیین قیمت به سمت خریدار منتقل می‌شود.

تخفیف نفت ایران؛ تخفیف معمولی یا مالیات تحریم؟

پیش از آغاز جنگ، نفت ایران برای جذب خریدار چینی معمولاً با تخفیف قابل توجه معامله می‌شد.

کمیسیون آمریکا و چین میزان این تخفیف را حدود ۸ تا ۱۰ دلار در هر بشکه اعلام کرده است. رویترز نیز پیش از جنگ، تخفیف نفت ایران نسبت به برنت را حدود ۱۰ دلار در هر بشکه گزارش کرده بود.

اگر فقط برای درک اندازه این تخفیف فرض کنیم ایران روزانه ۱.۳۸ میلیون بشکه نفت را با تخفیف ۱۰ دلاری بفروشد، اختلاف درآمد بالقوه به حدود: ۱۳.۸ میلیون دلار در روز می‌رسد.

یعنی در مقیاس ماهانه:

حدود ۴۱۴ میلیون دلار

و در مقیاس سالانه:

بیش از ۵ میلیارد دلار

این محاسبه، برآوردی برای نشان دادن ابعاد اقتصادی تخفیف است و به معنای آن نیست که ایران در تمام سال دقیقاً همین حجم و همین تخفیف را داشته است.

اما داستان جنگ از این هم پیچیده‌تر شد

وقتی جنگ شروع شد، نفت ایران گران‌تر شد؛ اما خریدار چینی عقب نشست

در نخستین هفته‌های جنگ، اتفاقی برخلاف منطق معمول بازار رخ داد.

نفت ایران که پیش از جنگ حدود ۱۰ دلار زیر برنت معامله می‌شد، در اوایل آوریل حتی به ۱.۵ تا ۲ دلار بالاتر از برنت رسید.

رویترز در ۹ آوریل گزارش داد که برخی پالایشگاه‌های مستقل چینی نفت Iranian Light را با ۱.۵ تا ۲ دلار پرمیوم نسبت به ICE Brent خریدند؛ در حالی که قبل از جنگ تخفیف آن حدود ۱۰ دلار بود.

چرا؟

چون جنگ قیمت نفت را بالا برده بود و حاشیه سود پالایشگاه‌های چینی به شدت تحت فشار قرار گرفته بود.

اما این وضعیت دوام نداشت.

ضربه دوم: چین خرید را پایین آورد

در ماه مه، واردات نفت خام چین از ایران به حدود: ۱.۱۰ میلیون بشکه در روز

رسید؛ پایین‌ترین سطح از ژانویه ۲۰۲۵.

این کاهش در شرایطی اتفاق افتاد که صادرات ایران نیز به دلیل محاصره و اختلالات حمل‌ونقل سقوط کرده بود.

هم‌زمان، صادرات نفت خام ایران در ماه مه طبق داده Kpler به حدود ۲۶۰ هزار بشکه در روز سقوط کرد؛ یعنی کمتر از یک‌پنجم میانگین صادرات ۲۰۲۵ که حدود ۱.۶۷ میلیون بشکه در روز بود.

داده OilX رقم صادرات ماه مه را حدود ۳۵۰ هزار بشکه در روز برآورد کرده است.

در نتیجه، مسئله ایران فقط «قیمت پایین» نبود؛ خود حجم فروش نیز به شدت سقوط کرد.

اما اتفاق عجیب‌تر در بازار چین رخ داد

در ماه ژوئن، نفت ایران دوباره وارد محدوده تخفیف شد.

بر اساس گزارش رویترز، نفت Iranian Light برای تحویل به شاندونگ چین با ۵۰ سنت تا یک دلار تخفیف نسبت به برنت عرضه می‌شد؛ در حالی که دو ماه قبل همین نفت با ۱ تا ۲ دلار پرمیوم معامله شده بود.

دلیل اصلی، کاهش تقاضای پالایشگاه‌های مستقل چین بود.

پالایشگاه‌های «تی‌پات» به دلیل:

حاشیه سود پایین،

قیمت بالای نفت،

ضعف تقاضای سوخت،

افزایش موجودی فرآورده‌ها،

نرخ فعالیت خود را کاهش دادند.

تحلیلگر Kpler به رویترز گفته بود که پالایشگاه‌های تی‌پات حتی با وجود محدودیت عرضه، خرید را افزایش نمی‌دهند، زیرا قیمت نفت همچنان برای

آنها بالا و زیان‌ده است.

چین فقط نفت ایران را نخرید؛ کل بازار را آرام کرد

اینجا نقطه‌ای است که داستان از «رابطه ایران و چین» فراتر می‌رود.

طبق گزارش Kpler، مصرف نفت خام چین در ژوئن و ژوئیه حدود ۱۲.۵ تا ۱۲.۶ میلیون بشکه در روز برآورد شده؛ حدود ۱۸ درصد پایین‌تر از سال قبل.

یعنی تقریباً:

۲.۸ میلیون بشکه در روز کاهش

فقط در مقایسه با سطح سال قبل.

Kpler صراحتاً می‌گوید همین ضعف تقاضای چین یکی از دلایل اصلی است که قیمت نفت علی‌رغم اختلال شدید در عرضه، نتوانسته است یک روند صعودی گسترده و پایدار ایجاد کند.

در واقع: چین با کم‌کردن خرید، بخشی از شوک عرضه جنگ را خنثی کرد.

عدد بزرگ‌تر: چین واردات دریایی خود را به شدت کاهش داد

داده‌های Kpler نشان می‌دهد واردات دریایی نفت خام چین از حدود:

۸.۱۰ میلیون بشکه در روز در آوریل

به: ۶.۳۶ میلیون بشکه در روز در ماه مه رسید.

این پایین‌ترین سطح از اکتبر ۲۰۱۶ بود.

در ژوئن نیز واردات نفت خام چین به حدود:

۷.۱۲ میلیون بشکه در روز

رسید؛ پایین‌ترین سطح نزدیک به یک دهه.

رویتزر کاهش ژوئن را ۴۱.۳ درصد نسبت به سال قبل گزارش کرده است.

این یعنی چین در یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های عرضه نفت جهان، به جای اینکه با خرید بیشتر بازار را تشنه‌تر کند، تقاضای خود را عقب کشید.

چرا چین توانست این کار را انجام دهد؟

پاسخ در ذخایر نفت چین است.

Kpler برآورد می‌کند چین حدود:

۲۹۹ میلیون بشکه

نفت در ذخایر پالایشگاهی و حدود:

۵۰۷ میلیون بشکه

نفت خام در مخازن تجاری داشته است.

به بیان دیگر، چین در شرایطی وارد جنگ شد که ذخیره نفتی قابل‌توجهی در اختیار داشت.

Kpler حتی برآورد کرده است که چین در صورت لزوم می‌تواند برای مدت طولانی بخشی از نیاز خود را از ذخایر تأمین کند و در خریدهای دریایی عجله نداشته باشد.

اینجاست که قدرت چانه‌زنی چین در برابر ایران آشکار می‌شود.

چین به یک «Swing Buyer» تبدیل شد

در بازار نفت، بازیگری که می‌تواند خرید خود را کم یا زیاد کند و از تغییر قیمت‌ها سود ببرد، قدرت ویژه‌ای دارد.

Kpler چین را در این مقطع عملاً یک Swing Buyer می‌داند؛ کشوری که می‌تواند از خرید عقب بنشیند، ذخایر خود را مصرف کند و منتظر کاهش قیمت نفت بماند.

این دقیقاً برخلاف موقعیت ایران است.

ایران در شرایط تحریم:

باید بفروشد.

چین:

می‌تواند صبر کند.

این تفاوت، تمام معادله قیمت‌گذاری را تغییر می‌دهد.

ضربه واقعی چین به ایران کجا بود؟

پاسخ را نباید در یک تصمیم سیاسی محرمانه جست‌وجو کرد.

هیچ سند معتبر و علنی در دست نیست که نشان دهد پکن تصمیم گرفته باشد عمداً برای «ضربه زدن به ایران» قیمت نفت را پایین نگه دارد.

اما داده‌ها یک واقعیت اقتصادی بسیار روشن را نشان می‌دهند:

چین هم‌زمان سه اهرم در اختیار داشت:

۱. بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران بود.

حدود ۹۰ درصد صادرات نفت ایران به چین وابسته بود.

۲. می‌توانست خرید نفت خود را کاهش دهد.

واردات دریایی چین در ماه مه به پایین‌ترین سطح تقریباً یک دهه رسید.

۳. می‌توانست منتظر فروشنده بماند.

ذخایر بالای چین باعث شد پکن مجبور نباشد برای هر بشکه نفت با هر قیمتی وارد بازار شود.

این سه عامل یعنی:

قدرت چانه‌زنی در دست خریدار بود.

و سپس اتفاق مهم‌تری رخ داد: چین سراغ رقبای ایران رفت

در ژوئیه، مشکل ایران دیگر فقط کاهش تقاضای چین نبود.

پالایشگاه‌های چینی شروع کردند به خرید بیشتر نفت روسیه و بررسی منابع جایگزین.

بر اساس گزارش رویترز، پالایشگاه‌های چینی برای جایگزین کردن بخشی از عرضه خاورمیانه، خرید نفت روسیه ESPO را افزایش دادند.

در همین زمان، نفت ESPO حدود ۱ تا ۲ دلار زیر برنت معامله می‌شد و نسبت به برخی گزینه‌های رقیب حدود ۱۰ دلار در هر بشکه ارزان‌تر بود.

در گزارش دیگری، رویترز نوشت پالایشگاه‌های چینی در مقطعی نفت ایران را کنار گذاشتند و به سراغ نفت عراق، امارات و قطر رفتند؛ زیرا برخی از این منابع ۵ تا ۸ دلار تخفیف نسبت به برنت ارائه می‌کردند، در حالی که تخفیف نفت ایران حدود ۲ تا ۳ دلار بود.

این بخش برای تهران بسیار مهم است:

چین فقط قیمت نفت ایران را مقایسه نمی‌کند؛ نفت ایران را با گزینه‌های جایگزین مقایسه می‌کند.

و هرچه گزینه‌های جایگزین بیشتر شوند، قدرت ایران برای قیمت‌گذاری کمتر می‌شود.

سقوط خرید نفت ایران در چین

در ژوئیه، طبق داده‌های منتشرشده توسط Vortexa و گزارش رویترز، واردات نفت ایران به چین به حدود:

۵۵۶ هزار بشکه در روز کاهش یافت؛ پایین‌ترین سطح از اوایل ۲۰۲۳.

این رقم در مقایسه با میانگین حدود ۱.۳۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵، کاهش بسیار شدیدی را نشان می‌دهد.

اگر همین دو رقم را صرفاً برای مقایسه کنار هم بگذاریم، اختلاف حدود:

۸۲۴ هزار بشکه در روز است.

یعنی بیش از نیمی از حجم متوسط خرید سال ۲۰۲۵.

چین چگونه قیمت جهانی نفت را پایین نگه داشت؟

اینجا پاسخ اصلی گزارش قرار دارد.

جنگ ایران و آمریکا از نظر فیزیکی یک شوک بزرگ عرضه ایجاد کرد.

آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش ماه مه خود اعلام کرد کاهش عرضه ناشی از اختلالات تنگه هرمز به بیش از ۱۴ میلیون بشکه در روز رسیده بود و ذخایر جهانی با سرعت بی‌سابقه‌ای در حال کاهش بود.

اما هم‌زمان واردات نفت چین از فوریه تا آوریل ۳.۶ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا کرده بود.

این دو جریان در جهت مخالف حرکت کردند:

خلیج فارس: عرضه کمتر

چین: تقاضای کمتر

و نتیجه این شد که قیمت نفت نتوانست به اندازه ابعاد بحران عرضه افزایش پیدا کند.

در ماه ژوئیه، رویترز گزارش داد واردات چین حدود ۸.۴۱ میلیون بشکه در روز بود؛ ۲۴.۳ درصد کمتر از ژوئیه سال قبل.

میانگین واردات چین در ژوئن و ژوئیه نیز حدود ۷.۷۸ میلیون بشکه در روز بود، در حالی که میانگین پیش از جنگ نزدیک به ۱۱.۹۹ میلیون بشکه در روز بود.

اختلاف:

حدود ۴.۲ میلیون بشکه در روز است.

این حجم کاهش تقاضا برای بازاری که با شوک عرضه مواجه است، عدد کوچکی نیست.

نفت می‌توانست گران‌تر باشد؟

نشانه‌ها می‌گویند: احتمالاً بله.

Kpler در تحلیل خود در ژوئیه نوشت که پالایشگران چینی یکی از اصلی‌ترین دلایلی هستند که قیمت نفت هنوز بالاتر نرفته است.

این مؤسسه برآورد کرد مصرف نفت خام چین در ژوئن و ژوئیه حدود ۲.۸ میلیون بشکه در روز پایین‌تر از سال قبل بوده است.

از طرف دیگر، رویترز نیز در ژوئیه نوشت کاهش شدید واردات چین باعث شده نفت کمتری از بازار خارج شود و همین موضوع قیمت جهانی را پایین‌تر از سطحی نگه داشته که در صورت بازگشت تقاضای چین ممکن بود شاهد آن باشیم.

بنابراین نمی‌توان گفت:

«چین قیمت نفت را تعیین کرد.»

اما می‌توان با اتکا به داده‌ها گفت:

«کاهش تقاضای چین سقف افزایش قیمت نفت در جنگ را محدود کرد.»

اما چرا این موضوع برای ایران مهم‌تر از دیگر تولیدکنندگان است؟

چون ایران هم‌زمان با کاهش قیمت نسبی نفت، با کاهش حجم صادرات نیز روبه‌رو شد.

این ترکیب بسیار خطرناک است:

درآمد نفتی = حجم فروش $\times$ قیمت واقعی دریافتی

اگر حجم صادرات سقوط کند و هم‌زمان فروشنده مجبور به تخفیف شود، درآمد نفتی از دو طرف تحت فشار قرار می‌گیرد.

در ماه مه، صادرات ایران طبق Kpler حدود ۲۶۰ هزار بشکه در روز بود؛ در مقابل میانگین سال ۲۰۲۵ حدود ۱.۶۷ میلیون بشکه در روز.

یعنی اختلاف حدود:

۱.۴۱ میلیون بشکه در روز

فقط در مقایسه با میانگین سال قبل.

این دیگر صرفاً مسئله «قیمت نفت» نیست؛ مسئله از دست رفتن ظرفیت تبدیل نفت به درآمد نقدی است.

پارادوکس بزرگ چین

اما اینجا نباید چین را صرفاً در جایگاه «ضربه‌زننده به ایران» قرار داد.

چین در عین حال یکی از مهم‌ترین عوامل بقای صادرات نفت ایران نیز بوده است.

اگر چین نبود، ایران در شرایط تحریم و جنگ احتمالاً با بازار بسیار کوچک‌تری برای نفت خود روبه‌رو می‌شد.

پکن همچنان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران باقی مانده و پالایشگاه‌های مستقل چین بخش مهمی از نفت تحریمی ایران را جذب کرده‌اند.

پس واقعیت پیچیده‌تر است:

چین برای ایران بازار ایجاد کرده؛ اما همین بازار، ایران را به یک خریدار بسیار قدرتمند وابسته کرده است.

و این وابستگی در زمان بحران به یک اهرم چانه‌زنی تبدیل می‌شود.

برنده واقعی چه کسی است؟

اگر مسئله را فقط از منظر اقتصادی نگاه کنیم، در بخش‌هایی از این بحران چین توانسته از موقعیت خود سود ببرد.

پکن:

نفت ایران را در سال‌های تحریم با تخفیف خرید؛

در زمان جهش قیمت، خرید خود را کاهش داد؛

از ذخایر بزرگ نفتی خود استفاده کرد؛

خرید خود را به منابع روسیه، عراق، امارات و سایر تأمین‌کنندگان منتقل کرد؛

و در زمانی که فروشندگان برای جذب تقاضا رقابت می‌کردند، قدرت انتخاب بیشتری داشت.

از طرف دیگر، ایران:

بازار فروش محدودی داشت؛

با اختلال حمل‌ونقل مواجه شد؛

صادراتش سقوط کرد؛

و مجبور بود برای حفظ مشتری، قیمت و شرایط فروش را رقابتی نگه دارد.

اما یک خط قرمز در تحلیل وجود دارد

با وجود تمام این داده‌ها، نمی‌توان از نظر علمی نتیجه گرفت که:

«چین عمداً با هدف ضربه زدن به ایران قیمت نفت را پایین آورد.»

چنین ادعایی به سند مستقیم نیاز دارد و در داده‌های موجود چنین سندی دیده نمی‌شود.

آنچه داده‌ها اثبات می‌کنند، چیز دیگری است:

چین با کاهش خرید نفت خام، افزایش اتکا به ذخایر و انتخاب تأمین‌کنندگان جایگزین، عملاً بخشی از فشار صعودی قیمت نفت را خنثی کرد.

و چون ایران بیش از هر کشور دیگری به بازار چین وابسته است، اثر این رفتار برای ایران بسیار شدیدتر از سایر صادرکنندگان نفت بوده است.

یک نکته تازه؛ بازی هنوز تمام نشده است

در ۱۱ اوت ۲۰۲۶، قیمت برنت بار دیگر تحت تأثیر بن‌بست مذاکرات ایران و آمریکا به حدود ۸۹ دلار رسید و صادرات نفت از مسیر تنگه هرمز در هفته منتهی به ۷ اوت حدود ۳ میلیون بشکه در روز گزارش شد؛ در حالی که ترافیک دریایی تنگه همچنان به شدت پایین‌تر از سطح پیش از جنگ است.

این یعنی مسئله چین هنوز تمام نشده است.

اگر پکن دوباره واردات نفت خام خود را افزایش دهد، بخشی از نفت ذخیره‌شده را جایگزین کند و پالایشگاه‌ها به ظرفیت بالاتری برگردند، بازار ممکن است با یک شوک تقاضای جدید روبه‌رو شود.

در مقابل، اگر چین به سیاست خرید محتاطانه ادامه دهد، سقف قیمت نفت حتی در شرایط تداوم بحران ژئوپلیتیک محدودتر خواهد ماند.

و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که آینده درآمد نفتی ایران به تصمیمات پکن گره می‌خورد.

جمع‌بندی «دریا و نفت»

آنچه در جنگ ۲۰۲۶ رخ داد، یک درس مهم برای اقتصاد نفت ایران دارد:

مشکل فقط تحریم آمریکا نیست.

وقتی تحریم‌ها باعث می‌شوند یک کشور به یک بازار محدود وابسته شود، همان بازار می‌تواند به بزرگ‌ترین اهرم چانه‌زنی علیه فروشنده تبدیل شود.

چین لزوماً دشمن نفتی ایران نیست؛ اتفاقاً در سال‌های تحریم یکی از مهم‌ترین مسیرهای فروش نفت ایران بوده است.

اما در بازار نفت، خریدار وفادار لزوماً خریدار ارزان نیست و خریدار بزرگ لزوماً شریک برابر نیست.

در این جنگ، چین مجبور نبود نفت ایران را گران‌تر بخرد.

پکن ذخیره داشت، گزینه داشت و می‌توانست صبر کند.

ایران اما بیش از هر زمان دیگری به فروش نیاز داشت.

نتیجه نهایی

مدرکی برای «توطئه چین علیه قیمت نفت ایران» وجود ندارد؛ اما شواهد بازار نشان می‌دهد چین با کاهش تقاضا، استفاده از ذخایر و افزایش قدرت انتخاب میان تأمین‌کنندگان، عملاً سقف قیمت نفت را پایین‌تر آورد و هم‌زمان قدرت چانه‌زنی خود در برابر نفت ایران را افزایش داد.

این شاید یکی از مهم‌ترین پیام‌های اقتصادی جنگ ایران و آمریکا باشد:

«در بازار نفت، گاهی بزرگ‌ترین خریدار، از بزرگ‌ترین تحریم‌کننده هم قدرتمندتر است.»

منابع داده و راستی‌آزمایی

Kpler — داده‌های جریان نفت، واردات چین، صادرات ایران و تحلیل بازار

Reuters — قیمت‌گذاری نفت ایران، رفتار پالایشگاه‌های چینی و جریان تجارت نفت

International Energy Agency (IEA) — تراز عرضه و تقاضای جهانی و اثر جنگ بر بازار

U.S. Treasury — سهم چین از صادرات نفت ایران

U.S.-China Economic and Security Review Commission (USCC) — وابستگی چین به نفت ایران و تخفیف‌های نفت تحریمی